

نگاهی به فعالیت هیات داوری

با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در آذرماه ۱۳۸۴ فعالیت حرفه‌ای فعالان مختلف بازار، قانونمند و امکان صدور مجوز معامله ابزارهای مالی جدید میسر شد. هر کدام از فعالان بازار دارای یک صنف تخصصی با عنوان «کانون» شدند که علاوه بر اعمال وظایف نظارتی و حمایتی، رسیدگی به اختلافات حرفه‌ای اعضای خود را در مقام میانجیگری عهده دار شدند. به منظور رسیدگی به اختلافات فعالان بازار ناشی از فعالیت در بورس، قانونگذار مرجعی با ترکیب مشخص و با اعضای انتصابی و با صلاحیت خاص در نظر گرفته است که هیات داوری نامیده می‌شود.

این هیات متشکل از یک نماینده وزارت دادگستری که از بین روسای شعب و یا مستشاران دیوان عالی کشور انتخاب خواهد شد و یک نماینده شورای بورس و یک نماینده مشترک اتاق صنایع و معادن ایران و اتاق بازرگانی تهران تشکیل می‌شود. وزیر دادگستری از بین قضات دیوان عالی کشور و شورای بورس بر اساس بند ۳ ماده ۴ و اتاق‌های مذکور به طور مشترک هر یک علاوه بر نماینده اصلی خود یک نفر را به عنوان عضو علی‌البدل تعیین و معرفی می‌کنند. عضو علی‌البدل در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیات داوری بورس شرکت خواهد کرد. در عین حال، ریاست هیات داوری بورس به عهده نماینده وزارت دادگستری است.

به منظور آشنایی بیشتر با فعالیت‌های هیات داوری و همچنین وظایف این نهاد قانونی به مصاحبه با آقای غلامعلی میرزایی منفرد، مسوول دبیرخانه هیات داوری، پرداخته‌ایم که می‌خوانید.

■ آقای میرزایی! در ابتدا از صلاحیت و ماهیت هیات داوری صحبت کنیم. این هیات چه مسوولیتی در بازار سرمایه بر عهده دارد؟

در یک تقسیم‌بندی کلی، چنانچه ناهنجاری‌های بازار سرمایه را به «جرائم» بازار سرمایه، «تخلفات» انضباطی فعالان و «اختلافات» بین فعالان بازار تقسیم کنیم، رسیدگی به اختلافات بین فعالان بازار در صلاحیت یک مرجع شبه قضایی با ترکیب و صلاحیت مشخص با عنوان «هیات داوری» قرار گرفته که پس از بررسی ادعای خواهان و استماع دفاعیات خوانده نسبت به صدور رای «قطعی» و «لازم‌الاجرا» اقدام می‌کند.

در نتیجه به نوعی می‌توان گفت که با تصویب قانون جدید بازار اوراق بهادار در آذر ماه ۱۳۸۴ در مجلس شورای اسلامی، فعالان بازار باید اختلافات خود را نزد این مرجع و نه مراجع قضایی طرح کنند. به نوعی می‌توان گفت با تصویب این قانون، صلاحیت مراجع قضایی نسبت به رسیدگی به اختلافات فعالان بازار سرمایه ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، تخصیص خورده است. این مرجع یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری با اوصاف خاص از جمله

قطعیت و لازم‌الاجرا بودن آرا است. اختصاصی بودن، یعنی صرفاً صلاحیت رسیدگی به اختلافات فعالان بازار را بر عهده دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دامنه صلاحیت هیات را به دو اعتبار تقسیم کرد:

۱- از حیث اشخاص، یعنی کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به عنوان «فعال بازار اوراق بهادار» شناخته شده و تحت شمول قانون بازار اوراق بهادار و تحت نظارت نهادهای نظارتی همچون سازمان بورس و اوراق بهادار، کانون‌ها، بورس‌ها و... فعالیت حرفه‌ای می‌کنند، در صورت حدوث اختلاف حرفه‌ای، مرجع رسیدگی به آن، هیات داوری است نه مراجع قضایی. سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که تحت شمول قانون بازار اوراق بهادار قرار ندارند، رسیدگی به اختلافات آنها در صلاحیت این هیات قرار نمی‌گیرد.

۲- از حیث موضوع نیز در قانون قدیم تاسیس بورس مصوب سال ۱۳۴۵، ذکر شده بود که هیات داوری صلاحیت رسیدگی به اختلافات میان کارگزاران با یکدیگر و به اختلافات بین فروشندگان یا خریداران یا کارگزاران که ناشی از معاملات در بورس باشد را برعهده دارد.



بلکه نقض آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های نهادهای نظارتی است می‌پردازد. برای مثال نقض دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌ها آنچه که در فصل ششم قانون بازار ذکر شده، جزای نقدی یا حبس نیست، بلکه مجازات متخلفان لغو مجوز، اخطار کتبی، تعطیلی ایستگاه معاملاتی و غیره است. یعنی هر آنچه که سازمان در مقام اعطای مجوز برآمده در صورتی که تخلفی را از فعالان بازار ببیند، در نهایت متناسب با میزان تخلف، امتیازات را از فعالان بازار سلب می‌کند. اما آنچه در هیات داوری انجام می‌شود، یک فرایند دو طرفه است. به طوری که یک خواهان و یک خواننده وجود دارد. اما در حوزه تخلفات انضباطی ممکن است خواهان یا خواننده‌ای وجود نداشته باشد و تنها گزارشی مبنی بر تخلف یکی از فعالان بازار ارسال شود. در این صورت آن حوزه وارد بررسی و تشخیص صحت و سقم تخلف گزارش شده می‌شود. اما در حوزه اختلافات، تا زمانی که یک ادعا ثبت نشده باشد هیات داوری وارد رسیدگی نمی‌شود. به علاوه باید خواسته وی نیز مالی و مقوم باشد تا قابل رسیدگی در هیات باشد.

در حقیقت خروجی حوزه هیات داوری صدور رای مبنی بر جبران خسارت (Compensation & Remedy) و یا رد ادعا است. اما در تخلفات انضباطی در صورت احراز تخلف صدور رای مبنی بر تنبیه انضباطی مانند لغو مجوز و تعطیلی ایستگاه و اخطار کتبی است.

اما در ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، به شکل عام، یک شرط کلی ذکر شده است و آن اینکه اختلاف باید ناشی از «فعالیت حرفه‌ای» باشد، تا هیات داوری به اختلافات آن‌ها رسیدگی کند.

در تعریف هیات داوری ابراز داشتید که هیات داوری یک مرجع اختصاصی غیردادگستری است، غیردادگستری بودن هیات داوری به چه مفهومی است؟

غیر دادگستری بودن به این معنا است که در ترکیب اعضاء، افراد غیرقضایی نیز حضور دارند. یعنی یک خبره اقتصادی و یک خبره مالی در ترکیب هیات داوری حضور می‌یابند و مرجع تعیین کننده آنها نیز نه قوه قضائیه بلکه قوه مجریه (شورای عالی بورس و اوراق بهادار) می‌باشد.

■ هیات داوری چه تفاوتی با واحد پیگیری تخلفات دارد؟

همانطور که گفتیم، ناهنجاری‌های بازار عبارتند از جرایم، تخلفات انضباطی و اختلافات. معادل جرایم Offences و معادل اختلافات Disputes و معادل تخلفات انضباطی (Violation of Regulations) است. هیات داوری وظیفه dispute Settlement یعنی «حل و فصل اختلافات» را بر عهده دارد.

واحد پیگیری تخلفات، به بررسی آن اقداماتی که نوعی ناهنجاری در بازار اوراق بهادار به شمار می‌رود، ولی نقض «قوانین» نیست

در هیات داوری دو عضو خبره اقتصادی و مالی حضور دارند که این تخصص در کنار تجربیات یک قاضی با سابقه قرار می‌گیرد تا رای با دقت نظر و صحت بالا صادر شود. از همین رو با رای برخی از قضات که در دادگاه بدوی صادر می‌شود تفاوت دارد.

البته رویه مخالف هم داریم. برای مثال در یکی از پرونده‌ها با وجود صدور رای قطعی و لازم الاجرا در هیات، محکوم علیه با مراجعه به دادگاه عمومی درخواست صدور رای به توقیف اجرای رای هیات داوری را کرده است و دادگاه عمومی نیز قرار توقف رای را صادر کرده و وارد رسیدگی ماهیتی شده است.

البته به نظر من ورود ماهیتی این قاضی پس از صدور رای هیات داوری، فاقد وجهت قانونی است، چراکه هیات داوری صلاحیت ذاتی دارد تا بر مبنای قانون تعیین شده و از قواعد آمره است که تخطی از آن جایز نبوده و خلاف قانون است. بنابراین خلاف قواعد آمره است که دادگاه بدوی پس از صدور رای قطعی در هیات داوری وارد رسیدگی مجدد شود.

به استناد قانون آیین دادرسی مدنی، اینکه تشخیص صلاحیت هر دادگاه با خود آن مرجع است، از باب رسیدگی بدوی است نه از باب رسیدگی ثانویه.

دادگاه بدوی پس از صدور رای قطعی در یک مرجع اختصاصی با ترکیب قوی، حرفه‌ای مشخص و تخصصی، با یک عضو که شاید فاقد تخصص حرفه‌ای است وارد رسیدگی در مقام تجدید نظر شده که بر اساس قواعد، صلاحیت آن مرجع صلاحیت بدوی است و در مقام تجدید نظر قرار ندارد.

اگر باب اعتراض به آرای هیات داوری در مراجع قضایی بدوی را باز بدانیم، وارد فرایند بی‌انتهایی خواهیم شد که هر محکوم‌علیه‌ی تمایل به گذراندن آن فرایند در مراجع قضایی خواهد داشت. به علاوه رای هیات داوری قطعی و لازم‌الاجرا است و با این شرایط نیازی به ورود مراجع بعدی ندارد.

در مورد این پرونده که پس از رای هیات داوری به دادگاه بدوی برده شد، قاضی چه رای را صادر کرد؟

در مورد این پرونده، محکوم علیه به دادگاه عمومی تهران اعتراض و توقیف اجرای رای هیات را خواسته بود. دادگاه با ملاحظه پرونده اعلام کرد: «نظر به محتویات پرونده و مستندات ابرازی، دادگاه با پذیرش درخواست خواهان به استناد ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ قرار توقف اجرای آرای داوری را تا پایان رسیدگی و صدور حکم قطعی راجع به اصل خواسته صادر می‌کند.»

اما قاضی صادر کننده این قرار، داوری اختیاری موضوع قانون آیین دادرسی مدنی را با این نهاد اختصاصی خلط کرده و به این لحاظ در امری که صلاحیت ذاتی (چه بدوی و چه تجدیدنظر) را ندارد وارد رسیدگی ماهوی شده که این موضوع خلاف قواعد

■ احکام صادر شده در هیات داوری نهایی است، اگر فردی نسبت به رای صادره اعتراضی داشته باشد، چه مرجعی به شکایت وی رسیدگی می‌کند؟

از لحاظ قانونی در تبصره پنج ماده ۳۷ ذکر شده است که آرای هیات داوری قطعی و لازم الاجرا است. به علاوه مرجع ارجاع نیز مشخص است که اداره‌های اجرای ثبت اسناد و املاک کل کشور هستند. به گفته قانون گذار، آرا قطعی است. قطعی بودن به معنای غیر قابل تجدید نظر است. یعنی یک مرجع ثانویه برای رسیدگی مجدد ماهوی به آرای این هیات وجود ندارد.

از طرف دیگر لازم الاجرا است یعنی در صورتی که محکوم علیه (فرد محکوم شده) رای را با اختیار اجرا نکند، محکوم له (فردی که رای به نفع وی صادر شده است) می‌تواند با ارایه رای به دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک کل کشور علیه محکوم علیه درخواست صدور اجرائیه کند.

■ پرسه اجرا در این هیات چگونه است؟

پس از صدور رای، در صورتی که محکوم علیه با اختیار، رای را اجرا کند، مشکلی وجود ندارد. اما چنانچه با اختیار رای را اجرا نکند، دبیرخانه هیات داوری طی یک نامه به اداره اول اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک، نسخه‌ای از رای صادره را اعلام و محکوم له از آنجا فرایند اجرا را پیگیری می‌کند. اداره اجرا هم برگ صدور اجرائیه را صادر می‌کند که مفاد آن توقیف اموال محکوم علیه، معادل محکوم به است.

■ آیا قابلیت تجدیدنظر از آرای هیات داوری وجود دارد؟

در مورد قابلیت تجدیدنظر از آرای هیات، بین قضات و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. اما با توجه به آنچه که من از قوانین استنباط می‌کنم، آراء هیات قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است و شاید فلسفه قانون گذاری در این زمینه، توجه به دو اصل «سرعت» و «دقت» در امور تجاری است. همه از اطلاع دادرسی در دادگاه‌ها رنج می‌برند و این موضوع یکی از معضلات اساسی مراجع قضایی است که برای صدور یک رای قطعی به سال‌ها زمان نیاز است.

در حالی که چنین وضعی نمی‌تواند در بازار وجود داشته باشد. زیرا باید به سرعت خسارت وارده را جبران کرد و فعال بازار که در مقام گردش سرمایه است، نمی‌تواند برای بررسی پرونده خود سالها منتظر و سرگردان بماند.

■ برای جلوگیری از چنین مواردی هیات داوری چه تمهیداتی را در نظر گرفته است؟

نخواهد بود، زیرا دادگاه بدوی ممکن است مانع از اجرای حکم شود. اگر به قابلیت اعتراض و تجدید نظر بر آرای هیات داری اعتقاد داشته باشیم، با صدور رای محکومیت، محکوم له به دادگاه بدوی اعتراض کرده و مانع اجرای رای می شود. پرونده ای که مدت ها روی آن کار کارشناسی صورت گرفته است، دادگاه بدوی با یک قاضی، قرار توقف رای را صادر می کند و با وجود صدور اجرای حکم در دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک مانع اجرای رای می شود و این پرونده ها مدت ها در دادگاه بدوی حضور داشته تا دادگاه نسبت به صدور رای اقدام کند. از همین رو دوباره پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شده و ممکن است بررسی پرونده و صدور رای قطعی در دادگاه تجدیدنظر سال ها طول بکشد. این روند یک فرایند بدون انتها است که با دو اصل سرعت و دقت در امور بررسی منافات دارد.

■ برای حل این مشکل چه راه حلی می توان ارایه داد؟

از آنجا که قضات در تصمیم گیری و تشخیص صلاحیت قانونی خود استقلال نظر دارند، نمی توانیم برای قاضی صادر کننده رای، تعیین تکلیف کنیم. اما در این شرایط یک رویه قضایی یا بخشنامه از طرف ریاست قوه قضاییه به قضات دادگستری سراسر کشور در مقام ارشاد، می تواند کارساز باشد. برای عدم تکرار چنین روندی باید یک رویه قضایی ایجاد شود تا بتوان به یک وحدت رویه دست یافت. البته در خصوص تشخیص صلاحیت اولیه هیات، ما رویه قضایی از دادگاه عمومی و دیوان عالی کشور داریم که هر دو مرجع هیات داری را صالح به رسیدگی به دعاوی بررسی دانسته اند و ما در کتاب سازو کارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه مفصل در این خصوص بحث کرده ایم.

■ در این صورت محکومان هیات داری دیگر نمی توانند از خلا موجود استفاده کنند؟

خلایی وجود ندارد. اختلاف حقوقی در تفسیر قانون است. ممکن است تمام قضات به این رویه اعتقاد نداشته باشند. زیرا اکثر قضات و حقوقدانان به این قضیه واقف هستند که تفاوت بسیاری میان داری اختیاری و ماهیت این داری وجود دارد. به علاوه آنکه صدور قرار توقف اجرای آرا این هیات یا هر مرجع دیگر نیازمند ادله قوی است و بدون آن نمی توان اجرای حکم را متوقف کرد.

حال چنانچه این مساله حادث شود باز هم باید منتظر رویه قضایی باشیم یا اینکه اطلاع رسانی و شفاف سازی بیشتری داشته باشیم. در این راستا باید با قوه قضاییه تعامل بیشتری داشته باشیم. البته رییس هیات داری منصوب رییس قوه قضاییه است و در نتیجه هیات داری از درون خود قوه قضاییه بیرون آمده است. با این اوصاف تعامل بین هیات و قضات دادگستری به ایجاد

آمره قانونی و نظم عمومی است و اعتبار صراحت قانونی را زیر سوال می برد.

■ آیا ماده ۴۹۳ در این موضوع بحث می کند؟

ماده ۴۹۳ در باب هفتم، در خصوص داری اختیاری است و تعجب اینجا است که قاضی مورد نظر، ماهیت این داری را با ماهیت داری اختیاری موضوع قانون آیین دادرسی، یکسان دانسته است. در حالی که حدود ۱۵ تفاوت میان این دو داری وجود دارد و مهم ترین آن ها مبنای توافق طرفین در داری اختیاری است. به عبارت دیگر در این نوع داری طرفین با یکدیگر به توافق می رسند که اختلاف خود را به داری ارجاع دهند.

اما در اینجا نیازی به توافق نیست و صلاحیت هیات، اجباری و قانونی است. در حقیقت هیات داری بدون توافق نیز صلاحیت رسیدگی دارد. اما متأسفانه با وجود این صراحت قانونی قاضی دادگاه بدوی وارد رسیدگی شده و مانع اجرای رای می شود. این در حالی است که اگر معتقد باشیم امکان تجدیدنظر وجود دارد، خروجی مشخص نخواهد بود.

برای مثال مدتی طول می کشد تا رای در هیات داری صادر شود و در صورتی که امکان اعتراض وجود داشته باشد، پرونده به دادگاه بدوی رفته و در آنجا دوباره مورد بررسی قرار می گیرد. به علاوه امکان دارد تا پرونده به دادگاه تجدید نظر یا دیوان عدالت نیز ارسال شود که با این اوصاف تفاوتی میان وجود یا عدم وجود هیات داری نبوده و شاکیان می توانند از ابتدا به دادگاه بدوی مراجعه کنند.

■ چرا با وجود عدم اجرای حکم به طور اختیاری از سوی محکوم، دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک کل کشور وارد عمل نمی شوند؟

هیات داری اقدام به صدور رأی نهایی کرده، اما از آنجا که دادگاه بدوی رای به توقف حکم داده، اجرای ثبت، اجرای رای را متوقف کرده است.

■ آیا در این صورت فعالانی که در هیات داری محکوم می شوند می توانند با مراجعه به دادگاه بدوی مانع از اجرای حکم شوند؟

به لحاظ قانونی و با توجه به صراحت تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار، آرای هیات داری قطعی و لازم الاجراست و قابلیت تجدید نظر خواهی ندارد. مگر اینکه از موارد اعاده دادرسی حادث شود که آن هم در صلاحیت خود هیات قرار می گیرد. اگر قایل شویم که آرای هیات قابلیت تجدیدنظر در دادگاه عمومی بدوی را دارند با این اوصاف هیچ فایده ای بر آرا هیات داری مترتب



■ منظور حذف هیچ بخشی نیست. هدف از تلفیق، جلوگیری از عدم تمرکز واحدهایی است که یک هدف را دنبال می‌کنند.

فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی مطابق با تکلیف قانونی ماده ۳۵ قانون بازار است، اما در فرایند رسیدگی به اختلافات به نظم قانونگذار شیوه مناسبی را اتخاذ کرده که نه کاملاً سازش است و نه داورى اختیاری، بلکه هم از سازش نوع ارجاع اجباری آن وجود دارد و هم قواعد آمره دادرسی در مرحله هیات داورى. فرد در ابتدا فارغ از پروسه ادارى تشکیل پرونده باید در یک فضای دوستانه با حضور اشخاص ثالث با هدف میانجیگری و حل اختلافات، دور هم جمع شوند و در جهت جبران خسارات احتمالی مادی، معنوی و حتی رفع کدورت‌های او و دلخوری‌ها و نگرانی‌ها تلاش کنند تا رغبت فعالیت مجدد برای هر دو طرف بوجود آید.

در کمیته سازش که به استناد تبصره ماده ۳۳ قانون بازار از ابتدای سال ۸۵ تشکیل شده تا پایان سال ۸۶ از میان ۱۰۰ پرونده مطروحه، نزدیک به ۷۰ درصد پرونده‌ها به سازش ختم شد و در بسیاری از پرونده‌ها شخصاً شاهد جبران خسارت معنوی و کسب رضایت و رفع کینه و کدورت بودم. این رویکرد، رویکرد میانجیگری است که با وساطت اشخاص ثالث برگزار می‌شود.

رویه قضایی واحد کمک خواهد کرد. هر چند که نظرات ارشادی ریاست محترم قوه قضائیه و دادستانی کل کشور نیز در این خصوص راهگشا خواهد بود.

■ آیا امکان ترکیب مراجع رسیدگی به اختلافات مانند هیات داورى، کمیته سازش کانون کارگزاران و پیگیری امور تخلفات وجود دارد؟

این که ما فرایند رسیدگی به اختلافات را در یک مرجع تلفیق کنیم، نیاز به اصلاح قانون دارد، چراکه به تصریح قانون گذار رسیدگی به اختلافات در هیات داورى منوط به گذراندن فرایند عدم سازش در کانون‌ها است. یعنی هیات داورى مرجع بدوی رسیدگی به اختلافات نیست و مرجع ثانویه به شمار می‌رود. در حالی که کانون‌ها مرجع بدوی رسیدگی به اختلافات هستند و رویکرد قانون گذار به نظر من یک رویکرد دقیق، علمی و حساب شده است، چراکه در نظام عدالت ترمیمی (Restorative Justice)، میانجیگری یکی از نمونه‌های عدالت ترمیمی است که رویکرد جبران خسارت از بزه دیده را برعهده دارد. حال با این فرض که «بزه‌دیده» در حوزه امور حقوقی و نه کیفری بازار سرمایه وجود نداشته و «زیان دیده» در این بازار حضور داشته باشد، رویکرد قانون بازار اوراق بهادار جبران خسارت مادی یا معنوی با فرایند عدالت ترمیمی است که در حقیقت همان میانجیگری است.

پرونده رای صادر شد. در سال ۸۶ نیز از میان ۵۶ پرونده وارده تعداد ۹ پرونده به هیات داوری وارد شد و ۴۷ پرونده دیگر در کمیته سازش مطرح و به سازش رسید. در این مدت نیز هیات داوری ۵۰ جلسه تشکیل داد و در مورد ۱۲ پرونده رای نهایی خود را صادر کرد. این در حالی است که در سال ۸۷، کمیته سازش به کانون کارگزاران واگذار شده بود. از همین رو حجم پرونده‌های وارده به ۲۲ عدد کاهش یافت. در این سال ۲۲ پرونده به هیات داوری وارد شدند و این هیات به منظور بررسی شکایات ارسال شده ۶۴ جلسه را تشکیل داد که در مورد ۱۴ پرونده رای صادر کرد.

■ هیات داوری در سال ۸۸ چه تعداد پرونده ورودی داشته است؟

تعداد پرونده‌های وارده تا ابتدای شهریور ۸۸، ۳ پرونده بود که در این خصوص هیأت به صدور ۶ رأی در خصوص ۶ پرونده که برخی ورودی سال ۸۷ بوده اقدام نموده، قابل ذکر اینکه خواسته برخی پرونده‌های هیأت چندین میلیارد تومان است مثلاً: ۲۷۰ میلیارد ریال و یا ۵۰ میلیارد ریال

■ آمار پرونده‌های ورودی به تفکیک فصول چگونه بوده است؟

سه ماهه نخست سال ۸۷ سه پرونده، سه ماهه دوم چهار پرونده، سه ماهه سوم سه پرونده و سه ماهه چهارم ۱۲ پرونده به هیات داوری سازمان بورس و اوراق بهادار وارد شده است. در حالی که سه ماهه نخست سال ۸۶، تعداد ۱۵ پرونده، سه ماهه دوم ۱۶ پرونده، سه ماهه سوم ۱۷ پرونده و سه ماهه چهارم تعداد هشت پرونده به این هیات وارد شده است. همچنین از میان ۶۱ پرونده وارده در سال ۸۵ تعداد ۲۷ پرونده در سه ماهه دوم، ۲۰ پرونده سه ماهه دوم و ۱۴ پرونده در سه ماه پایانی سال وارد شده بودند.

■ چند رای صادره به محکومیت خواننده منتهی شده است؟

از میان پرونده‌های منتهی به رأی در هیات داوری تعداد ۱۲ رای به محکومیت خوانندگان منتهی شد. به علاوه ۱۲ رای هیات داوری نیز طرفین را به سازش رساند که گزارش اصلاحی صادر شد. در مقابل در خصوص ۱۰ پرونده نیز دعوای خواهان رد و یک مورد هم قرار عدم صلاحیت صادر گردید. برای دو پرونده نیز قرار ابطال دادخواست صادر شد. در عین حال دبیر هیات داوری دو پرونده را به دلیل دادخواست ناقص و کامل نبودن مشخصات خواننده، قرار رد دادخواست را صادر کرد.

■ در چه شرایطی قرار رد دادخواست صادر می‌شود؟

در حالی که دادخواست فرد ناقص باشد، رئیس دبیرخانه هیأت

حال در صورتی که فرایند سازش شکست بخورد، فرد باید مانند دادگاه پروسه ثبت دادخواست،

تعیین خواننده، تعیین خواسته و تقویم ربالی آن را در دادخواست ذکر کند و به دبیرخانه هیات داوری ارسال کند. در این شرایط، فرایند، فرایند قضایی و دادرسی می‌شود. بنابراین، تلفیق و یکی کردن فرایند سازش و دادرسی به دلیل تفاوت ماهیت این دو با یکدیگر، امکان ندارد.

زیرا در کمیته سازش، فضای میانجیگری و در هیات داوری، فضای رسیدگی و صدور حکم حاکم است. در کمیته سازش آئین رسیدگی منعطف و فارغ از تشریفات جدی قانونی است، اما در هیات داوری قانون ملاک رویه قرار می‌گیرد و مواعد قانونی و مهلت‌ها نیز بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی اعطاء می‌شود.

■ با این شرایط به دلیل اختلاف فضای حاکم، امکان تلفیق این دو وجود ندارد؟

دقیقاً! در کمیته سازش ماهیت میانجیگری و سازش حاکم است. اما در هیات داوری ماهیت حاکمیت اراده طرفین بر پرونده است. در حقیقت در هیات داوری طرفین دعوا، هیچ اراده‌ای در خصوص نتیجه پرونده ندارند و نتیجه در اختیار اعضای رسیدگی کننده است. اما در میانجیگری، نتیجه دعوا در اختیار طرفین است. به علاوه نتیجه بیرون آمده از هیات داوری الزاماً موافق نظر طرفین نیست، اما در کانون خروجی جلسه ناشی از توافق طرفین است. در نتیجه نوع فعالیت این دو از لحاظ ماهیتی با یکدیگر متفاوت است و امکان تلفیق این دو وجود ندارد.

■ تا کنون چه تعداد رای در هیات داوری صادر شده است؟

هیات داوری سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۸۵ تاکنون ۱۴۱ پرونده شکایتی دریافت کرده که از این میان ۹۱ پرونده به کمیته سازش ارسال و مابقی در هیات داوری بررسی شد تا در خصوص ۳۷ پرونده رای نهایی صادر شود. همچنین تعداد ۵۰ پرونده به هیات داوری وارد شده است. این هیات نیز در مدت یاد شده ۱۷۵ جلسه تشکیل داده و ۳۷ رای صادر کرده است. کمیته سازش در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در اختیار دبیرخانه هیات داوری سازمان بورس و اوراق بهادار بود. اما در اسفند ۸۶ این کمیته به کانون کارگزاران واگذار شد تا آنها وظیفه سازش را در پیش بگیرند. از همین رو تعداد پرونده‌های وارده پس از واگذاری کمیته سازش به کانون کارگزاران کاهش یافت و تعدادی از پرونده‌ها در این کمیته بررسی و نهایی می‌شود.

همچنین از میان ۶۱ پرونده‌ای که در سال ۸۵ مطرح شد، تعداد ۱۷ پرونده به هیات داوری وارد شد و ۴۴ پرونده نیز در کمیته سازش به سازش طرفین ختم شد. در این سال هیات ۴۴ جلسه را به منظور بررسی پرونده‌های وارده برگزار کرد و در مورد ۹

است؟

با استناد به بند ۴ ماده ۲۶ اساسنامه سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب هیأت وزیران و مصوبه شورای عالی بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۲۱ اسفند ماه ۸۵، نرخ هزینه داورى باید توسط خواهان پرداخت و فیش واریزی ارسال شود. این نرخ تا ده میلیون ریال مبلغ مورد اختلاف (خواستنه) یک میلیون ریال و نسبت به مازاد ده میلیون ریال ۱/۵ درصد از مبلغ خواسته حداکثر تا سقف پنجاه میلیون ریال محاسبه می‌شود که پس از واریز به حساب بانکی مربوط فیش آن ضمیمه پرونده می‌شود. قابل ذکر اینکه مطابق با قانون مالیات بر ارزش افزوده، علاوه بر هزینه مزبور، ۳ درصد هزینه داورى نیز به عنوان مالیات و عوارض اخذ می‌گردد.

آیا به منظور بررسی پرونده در هیات داورى نیازی به ارائه گواهی عدم سازش از کانون مربوطه نیز وجود دارد؟

به استناد ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذرماه ۱۳۸۴، رسیدگی پرونده‌ها در هیأت منوط به عدم سازش طرفین اختلاف در کانون مربوطه است. کانون پس از برگزاری جلسه جهت حل و فصل مسألت آمیز پرونده و فارغ از قواعد آیین دادرسی و در فضای دوستانه با رویکرد اصلاح ذات البین و جبران خسارات مادی و احياناً معنوی و رفع کدورت‌های احتمالی، به موضوع رسیدگی کرده و در صورت عدم حصول نتیجه اقدام به صدور گواهی عدم سازش کرده که این گواهی یکی از مقدمات طرح پرونده در هیأت داورى قلمداد می‌شود.

چه تفاوتی میان حکم رد دعوای خواهان و قرار رد دادخواست توسط دبیر هیات وجود دارد؟

قرار رد دادخواست مربوط به زمانی است که دادخواست خواهان ناقص است. برای مثال خواسته به درستی تعیین نشده، هزینه داورى را واریز نکرده یا برخی از مشخصات تکمیل نشده است. در این صورت دبیر هیأت داورى (رییس دبیرخانه هیات داورى) به وی اخطار می‌دهد تا فرم را تکمیل کند. در غیر این صورت با انقضای مهلت، دادخواست وی رد می‌شود. پس از آن ۱۰ روز فرصت دارد تا به رای دبیر هیات داورى مبنی بر رد دادخواست در هیأت داورى اعتراض کند. اما در مورد قرار رد دعوای هیات داورى، هیأت وارد رسیدگی ماهوی شده، بررسی را در خصوص پرونده انجام می‌دهد. سپس به این نتیجه می‌رسد که خواهان ادله و مستندات کافی برای اثبات ادعای خود ندارد و در نتیجه ادعای وی رد می‌شود.

تفاوت هیات داورى با داورى اختیاری در چیست؟

تفاوت این دو نهاد در حدود ۱۳ مورد بارز است که از جمله آنها عبارتند از منشا اعتبار، موافقت نامه داورى، موانع عضویت، مقام

داورى اخطار می‌دهد تا ظرف ۱۰ روز دادخواست خود را تکمیل کرده و به دبیرخانه هیأت ارسال کند. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننمایند، دادخواست به موجب قراری که رئیس دبیرخانه هیأت داورى صادر می‌کند، رد می‌گردد، این قرار به خواهان ابلاغ می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ به هیات داورى اعتراض کند.

فرایند تشکیل پرونده در دبیرخانه هیات داورى چگونه است؟

متقاضیان تشکیل پرونده در دبیرخانه هیأت داورى باید فرآیند تشکیل پرونده را طی کنند. با توجه به آنکه رسیدگی در هیأت داورى ثانویه است، فرد باید گواهی عدم سازش را از کانون همراه داشته باشد. بنابراین، تشکیل پرونده در هیات داورى با پیگیری و مراجعه خواهان انجام می‌شود.

به منظور طرح دعوا در هیأت داورى، با توجه به این که رسیدگی به پرونده در این مرجع متعاقب رسیدگی کانون مربوطه (در حال حاضر کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار) انجام می‌شود، خواهان باید مدارک و مستنداتی را به دبیرخانه هیأت ارائه و پرونده خود را تکمیل کند تا پرونده جهت رسیدگی در دستور کار هیأت قرار گیرد، در غیر این صورت رسیدگی ماهوی به دعوای خواهان در هیأت امکان پذیر نیست. فرم رسیدگی در هیأت داورى توسط خواهان تکمیل می‌شود. این فرم همانند فرم‌های دادخواست حقوقی، مشخصات خواهان یا وکیل او، خوانده یا وکیل او، خواسته و تقویم ریالی آن، دلایل و مستندات و شرحی از ادعای خواهان در آن قید می‌شود. جهت سهولت دستیابی شاکیان به فرم مزبور، این فرم در دو پایگاه اینترنتی اطلاع رسانی بازار سرمایه و سازمان بورس و اوراق بهادار درج شده و افراد می‌توانند با دریافت فرم و تکمیل آن نسبت به ارسال فرم با مدارک و مستندات خود اقدام کنند. پس از آن خواهان تصاویر برابر با اصل مدارک و مستندات خود جهت اثبات ادعا را به ضمیمه فرم درخواست رسیدگی، به تعداد خوانندگان دعوا یک نسخه، به دبیرخانه هیأت ارائه می‌دهد. بدیهی است که اصول اسناد و مدارک در جلسه رسیدگی دریافت و بررسی خواهد شد.

پس از تکمیل پرونده به نحو بالا، دبیرخانه پس از صدور دستور تعیین وقت توسط هیأت، نسخه‌ای از درخواست خواهان و ضمیمه آن را به خوانده ابلاغ می‌کند تا ظرف مهلتی مشخص به آن پاسخ داده و سپس با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به اصحاب دعوا، پرونده را در نوبت رسیدگی قرار می‌دهد.

آیا متقاضیان بررسی پرونده در هیات داورى باید هزینه داورى پرداخت کنند و هزینه، برای پرونده‌ها چه میزانی

موردی طرفین آیین رسیدگی را مشخص می‌کنند. اما در داوری سازمانی متناسب با آیین رسیدگی آن نهاد یا سازمان رسیدگی انجام می‌شود. اما در هیات داوری اصولاً آیین رسیدگی متناسب با آیین نامه ویژه هیات داوری و متناسب با کلیات قانون آیین دادرسی مدنی است. در حقیقت، در داوری اختیاری، داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند، ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند در حالی که رسیدگی در هیات داوری تابعی از کلیات آیین دادرسی مدنی است هر چند که از باب رعایت حقوق اصحاب دعوا، انعطاف پذیری بیشتری دارد، ولی در هر حال تابع اراده اصحاب دعوا نیست.

از لحاظ تعداد داوران نیز در داوری اختیاری و هیات داوری تفاوت وجود دارد. در داوری اختیاری، طرفین دعوا می‌توانند با رضایت یکدیگر اختلاف خود را به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. زیرا تعداد داوران تابعی از توافق طرفین دعوا است، اما اعضای هیات داوری، ثابت و انتصابی بوده، و اراده و توافق اصحاب دعوا بر تعداد آن تأثیری ندارد.

■ هنگام بیان تفاوت‌ها به داوری اموال دولتی و عمومی اشاره کردید. این تفاوت به چه معناست؟

داوران اختیاری حق داوری در اموال دولتی را ندارند، در حالی که هیات داوری این صلاحیت را دارد. بنا بر تصریح ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، در داوری اختیاری «ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد» در حالی که رسیدگی به اختلافات شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس، شرکت‌های کارگزاری دولتی یا سایر شرکت‌های دولتی با سایر فعالان بازار ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنان، در هیات داوری رسیدگی می‌شود.

■ لطفاً در مورد اظهار نظر نسبت به اصل معامله نیز توضیح دهید.

داوران اختیاری، حق اظهار نظر نسبت به اصل معامله را ندارند و هر گاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد، ابتدا دادگاه به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌کند، سپس در اختیار داوران قرار می‌گیرد. به عبارتی داوران صلاحیت رسیدگی ماهوی نسبت به اصل معامله یا قرارداد را ندارند و تشخیص آن با مقام قضایی است، در حالی که منشاء بسیاری از اختلافات بین فعالان بازار به اظهار نظر ماهوی در خصوص اصل معامله و قراردادهای بر می‌گردد و این مساله توسط هیات داوری که در رأس آن یک قاضی باتجربه قرار دارد به عمل می‌آید. در حقیقت هیات داوری در بسیاری از موارد به طور

منصوب کننده، مدت داوری، حق الزحمه داوری، آیین رسیدگی، تعداد داوران، داوری اموال دولتی و عمومی، اظهار نظر نسبت به اصل معامله، رد داور، اجرای رأی داوری و در نهایت قطعیت آراء که به طور تفصیلی در گفتار دوم از فصل دوم کتاب به آن پرداخته‌ایم.

■ منشا اعتبار و موافقت نامه داوری به چه مفهومی است؟

داوری اختیاری اعتبار خود را از طرفین دعوا یا شخص ثالث مرضی الطرفین اخذ می‌کند در حالی که هیات داوری اعتبار خود را از قانون می‌گیرد، نه از اراده اصحاب دعوا.

همچنین در داوری اختیاری، موافقت نامه داوری شرط اساسی و اولیه ارجاع به داوری است، اما در هیات داوری نیازی به شرط داوری نیست. البته طرفین می‌توانند با یکدیگر توافق کنند که اختلاف خود را به هیات داوری ارجاع ندهند، اما نمی‌توانند برای هیات داوری ایجاد صلاحیت کنند، زیرا صلاحیت آن منشا قانونی دارد که از نوع صلاحیت ذاتی است.

■ مفهوم دیگر تفاوت‌های دو نهاد داوری اختیاری و هیات داوری چیست؟

«مقام منصوب کننده» از دیگر تفاوت‌های هیات داوری و داوری اختیاری است. داوران در داوری اختیاری انتخابی هستند، که توسط اصحاب دعوا یا شخص ثالث یا دادگاه انتخاب می‌شوند، اما اعضای هیات داوری ثابت بوده و طبق نظر اصحاب دعوا یا اشخاص ثالث یا دادگاه منصوب نمی‌شوند، بلکه انتصاب آنان قانونی است.

«مدت داوری» نیز به آن معنا است که در داوری اختیاری در هر مورد که داور تعیین می‌شود باید مدت داوری تعیین شود. در حالی که مدت مأموریت اعضای هیات داوری به عنوان عضو، دو سال بوده و برای رسیدگی و داوری، محدود و مقید به زمان نیستند.

این دو در «حق الزحمه داوری»، هم با یکدیگر متفاوتند. در داوری اختیاری، پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آنکه در قرارداد داوری به ترتیب دیگری مقرر شده باشد. حال چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد. این در حالی است که اعضای هیات داوری از طرفین دعوا حق الزحمه‌ای دریافت نمی‌کنند، بلکه تعیین حق الزحمه اعضای هیات داوری بر عهده شورای عالی بورس و اوراق بهادار است. در حقیقت بودجه هیات داوری در قالب بودجه سازمان بورس و اوراق بهادار منظور و پرداخت می‌شود.

همچنین «آیین رسیدگی» در این دو متفاوت است. در داوری اختیاری، دو نوع داوری موردی و سازمانی وجود دارد. در داوری

مستقیم وارد رسیدگی به اصل معامله می‌شود.

■ در خصوص رد داور و موانع رسیدگی چه تفاوت‌هایی بین داوری اختیاری و هیأت داوری حاکم است؟

در داوری اختیاری طرفین می‌توانند با رضایت کتبی یکدیگر به داوری پایان بدهند، ولی طرفین دعوا در هیأت داوری، نمی‌توانند با رضایت یکدیگر از هیأت داوری سلب صلاحیت کنند، چرا که صلاحیت آن بر مبنای قانون و از نوع ذاتی است که جزو قواعد آمره است. البته ذاتی بودن صلاحیت هیأت داوری مانع رد برخی از اعضای هیأت داوری به دلایلی مشخص نیست. البته در این شرایط، صلاحیت هیأت داوری مورد خدشه قرار نمی‌گیرد، بلکه صلاحیت عضو مورد تردید قرار می‌گیرد. وجود رابطه خویشاوندی نسبی یا سببی بین یکی از اصحاب دعوا و عضو، وجود نفع شخصی عضو در موضوع مطروحه یا وجود دعوای حقوقی یا کیفری عضو با یکی از طرفین دعوا می‌تواند از جمله موانع رسیدگی به شمار آید. بنابراین در صورت احراز هر یک از موانع، عضو علی‌البدل جایگزین عضو اصلی می‌شود. در صورتی که یکی از موانع برای عضو علی‌البدل نیز وجود داشته باشد، رسیدگی با دو عضو دیگر انجام می‌شود.

در بازار سرمایه کشور امارات متحده عربی، یک هیأت داوری به ریاست نماینده قوه قضائیه منصوب وزیر دادگستری و دو عضو دیگر، یکی توسط دبیر کل بورس مربوط و عضو دیگر توسط رییس مرجع اوراق بهادار و کالاها به اختلافات رسیدگی می‌کنند. هیچ کدام از طرفین دعوا نمی‌توانند داوران را رد کنند مگر در مواردی که تردید موجهی در عدم رعایت بی‌طرفی و استقلال آنان حاصل شود، مانند وجود رابطه خویشاوندی یا وجود نفع مادی یا وجود سابقه قضاوت در آن دعوا. درخواست رد داوران با اسناد و مدارک مربوطه به مرجع اوراق بهادار و کالاها ظرف ۱۵ روز از تاریخی که شخص از تشکیل هیأت یا از وجود شرایط رد داور مطلع گشته، ارائه می‌شود. این در حالی است که درخواست رد داوران پس از صدور رای پذیرفته نیست. شخصی که درخواست او مبنی بر رد داور پذیرفته نشده، می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ دریافت ابلاغ، به هیأت مدیره مرجع اوراق بهادار و کالاها به عنوان مقام ناظر، اعتراض کند. تصمیم این هیأت قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است. در موارد فوت، رد، استعفاء یا زمانی که مرجع اوراق بهادار و کالاها تشخیص دهد داور قادر به اجرای وظایف خود نیست، شخص دیگری جایگزین می‌شود.

در خصوص اجرای رأی داوری نیز باید گفت که در داوری اختیاری، هر گاه محکوم علیه تا بیست روز پس از ابلاغ، رأی داوری را اجرا نکند، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، مکلف است به درخواست طرف ذی نفع، طبق رأی داور، برگ اجرایی صادر کند، در حالی که

اجرای رأی صادر شده از سوی هیأت داوری برعهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک گذاشته شده است.

این در حالی است که رأی صادره توسط داوران در داوری اختیاری، موردی یا سازمانی، قطعی و لازم الاجرا است و اعتبار این اثر از توافق طرفین دعوا ناشی می‌شود. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مواردی عنوان شده که در صورت وجود هر کدام از آن مصادیق، رأی داوری اساساً باطل و قابلیت اجرایی ندارد. بدیهی است که قابلیت ابطال رأی با قابلیت تجدید نظر از رأی تفاوت مبنایی دارد.

در قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۲۶ شهریورماه ۱۳۷۶ نیز از مواردی یاد کرده است که در صورت احراز هر کدام از آنها رأی قابل ابطال است. مرکز منطقه‌ای داوری تهران که تحت نظارت سازمان مشورتی حقوقی آسیایی - آفریقایی فعالیت می‌کند، دارای قواعدی است که در خصوص اجرای آراء مقرر می‌دارد « رأی به صورت کتبی صادر شده و برای طرفین قطعی و لازم الاجرا است. طرفین تعهد میکنند رأی را با حسن نیت و بدون تأخیر اجرا کنند. با ارجاع اختلاف به داوری بر طبق قواعد حاضر فرض بر آن است که طرفین از حق خود برای اعتراض تا حدی که این انصراف می‌تواند صحیحاً صورت گیرد، صرفنظر کرده‌اند.

■ هدف نهایی مراجعه به داور حل و فصل دعوا است. برای این کار هیأت داوری چه روندی را در پیش می‌گیرد و اعتبار رأی آن چگونه است؟

هدف نهایی طرفین از مراجعه به داوری اختیاری آن است که مرجع داوری به اختلافات و دعوای ایشان پایان دهد و نزاع را به شیوه‌ای قطعی حل و فصل کند. برای دستیابی به این هدف باید رای داوری قطعی باشد یعنی در معرض تجدید نظر و استیناف و اعتراض قرار نگیرد و همچنین لازم الاجرا باشد. یعنی در صورتی که محکوم علیه به آن تمکین نکند بتوان آن را به اجرا در آورد. این دو خصوصیت مطلوب همان است که « قطعی و لازم الاجرا بودن رای » نامیده می‌شود و از جمله عوامل مهم رونق و اعتبار داوری است، زیرا اگر طرفین مطمئن نباشند که رای صادره قطعی و قابل اجرا است، انگیزه‌ای برای مراجعه به داوری ندارند.

بنابراین اصولاً رأی صادره از داوران اختیاری، خواه به شکل موردی یا خاص باشد خواه سازمانی یا نهادی، قطعی است و غیر قابل تجدید نظر. اما تحت شرایطی رأی صادره اساساً قابل ابطال است. در خصوص رأی صادره شده از هیأت داوری، قانون بازار اوراق بهادار مقرر داشته است که رأی صادر شده از سوی هیأت داوری قطعی و لازم الاجراست و اجرای آن به عهده اداره‌ها و

اصولاً دادگاه‌ها صلاحیت عام رسیدگی به همه دعاوی را داشته مگر آنچه به موجب قانون از صلاحیت آنان خارج شده باشد. اصل ۱۵۹ قانون اساسی بیان می‌دارد که مرجع رسمی تظلمات و شکایت، دادگستری است. قضات دادگستری علی‌الاصول برای رسیدگی به تمام دعاوی تخصصی آموزش ندیده‌اند، بنابراین رسیدگی به اختلافات تخصصی به مراجع ویژه با ترکیب مشخص که از اهل فن و خبره هستند محول می‌شود. رعایت تخصص، سرعت و کارایی این گونه دعاوی اقتضاء دارد به مراجع ویژه‌ای واگذار شده و از صلاحیت دادگاه‌های عمومی به موجب قانون خارج شود. در نتیجه این مراجع جز به صلاحیت تصریح شده در قانون حق رسیدگی ندارند.

■ آیا هیات داوری علاوه بر صلاحیت حقوقی صلاحیت رسیدگی به دعاوی کیفری بوری را نیز دارد؟

خیر. چنانچه در اثر ارتکاب جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار که عناوین مجرمانه ویژه بازار اوراق بهادار به شمار می‌روند ضرر و زیانی متوجه اشخاص شود، زیان دیده می‌تواند به مراجع صالح قضایی مراجعه و ضمن طرح دادخواست، ضرر و زیان خود را مطالبه کند. به طوری که بخش ذیل ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار مقرر می‌دارد «... چنانچه در اثر جرایم مذکور، ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد، زیان دیده می‌تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید».

در عین حال، علاوه بر جرایم ویژه بوری، گاهی ضرر و زیان ناشی از اقداماتی است که در صورت احراز عناصر سه گانه جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی)، جنبه کیفری به خود می‌گیرد. برای مثال چنانچه یکی از کارمندان یک شرکت کارگزاری، با جعل امضای سهامدار نسبت به فروش سهام وی اقدام کرده و وجوه حاصل از فروش را به تملک خود درآورد، فرد زیان دیده می‌تواند موضوع را از جنبه کیفری پیگیری کند. در این صورت دادگاه عمومی جزایی، با توجه به مسئولیت کیفری شخص کارمند، با استناد به مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر حکم به جبران خسارات وارده، جاعل را نیز به مجازات کیفری محکوم می‌کند. در صورتی که زیان دیده علاوه بر طرح دعوی کیفری، دعاوی حقوقی خود را نیز در هیأت داوری پیگیری کند، با توجه به تاثیر تشخیص مقام قضایی بر روند پرونده حقوقی، رسیدگی به پرونده حقوقی در مورد مسئولیت مدنی شخصیت حقوقی تا تعیین تکلیف دادگاه کیفری متوقف می‌شود. البته در صورت وقوع برخی جرایم که مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن نیاز به دادخواست حقوقی دارد، به نظر می‌رسد جنبه حقوقی دعوا در صورتی که منشأ فعالیت حرفه‌ای داشته باشد قابل طرح در هیأت داوری است.

دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک است. بنابراین از باب عدم امکان تجدید نظر خواهی آرای هیأت داوری با آرای داوری اختیاری یکسان هستند.

■ در صحبت هایتان به صلاحیت ذاتی هیات داوری اشاره کردید. صلاحیت ذاتی هیأت داوری به چه معنا است؟

منظور از صلاحیت ذاتی، صلاحیتی است غیر قابل تغییر که با نظم عمومی گره خورده و مشتمل بر صنف، نوع و درجه است. این صلاحیت به موجب قانون اعطا شده و غیر قابل تفویض به غیر است. صنف در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص اینکه موضوع مطروحه باید در مراجع قضایی مطرح شود یا مراجع اداری. نوع در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص این که موضوع دعوا در صلاحیت مراجع اختصاصی است یا عمومی.

درجه در صلاحیت ذاتی یعنی تالی یا عالی بودن. «علی‌الاصول در هر نوع از مراجع (عمومی یا استثنایی) از هر صنفی که باشد (قضایی یا اداری) درجاتی وجود دارد که مرجع قضاوتی در سلسله مراتب در آن قرار دارد و بدین ترتیب مرجع حقوقی بدوی (درجه اول) از مرجع حقوقی تجدید نظر (درجه دوم) که از پایین در نظر گرفته می‌شود، متمایز است.

بنابراین قواعد صلاحیت ذاتی مربوط به نفع و نظم عمومی و جزو قواعد آمره بوده که امکان توافق بر خلاف آن بین اطراف دعوا وجود ندارد. البته در خصوص فعالان موضوع قانون بازار اوراق بهادار این امر منافاتی با قید شرط داوری شخص معین یا شخص مرضی الطرفین در قراردادهای موضوع این قانون ندارد. بدیهی است اگر امکان اجرای داوری فراهم نباشد، موضوع به هیأت داوری ارجاع می‌شود نه دادگاه عمومی.

عدم رعایت صلاحیت ذاتی توسط مرجع قضایی حتی بدون ایراد خواننده، موجب نقض آن توسط مرجع عالی می‌شود.

با این اوصاف می‌توان گفت: رسیدگی به پرونده‌های در صلاحیت هیأت داوری از صلاحیت مراجع قضایی و اداری خارج و منتزاع شده است. به عبارت دیگر، در صورت حدوث اختلاف بین فعالان بازار اوراق بهادار، موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنان در صورت عدم سازش در کانون‌های مربوط، فقط هیأت داوری صالح به رسیدگی به این پرونده‌ها بوده و دادگاه‌های دادگستری نمی‌توانند به اعتبار مرجع رسمی تظلمات عمومی به این دعاوی رسیدگی کنند، هر چند در حقوق فرانسه، صلاحیت دادگاه‌های دادگستری نسبت به مراجع اختصاصی مطلق بوده، ولی در ایران هیچ نسی که نتیجه مزبور از آن قابل برداشت باشد، دیده نمی‌شود. به طور کلی رویه قضایی ایران نیز صلاحیت ذاتی هیأت داوری را مورد تایید قرار داده است.

■ صلاحیت اختصاصی این هیات به چه مفهومی است؟